



شورای راهبردی  
روابط خارجی

## رویکرد واقعی آمریکا در قبال پایان حضور نظامی در عراق

گفت‌وگوها میان مقامات عراق و آمریکا برای پایان دادن به مأموریت نظامی ائتلاف به اصطلاح «ضداعش» در عراق، به‌طور رسمی از روز شنبه ۲۷ ژانویه (پنجم) آغاز شده است. البته پیش از این و در شش ماه گذشته بین دو طرف مذاکرات به شکل غیررسمی و کارشناسی جریان داشت. در دور نخست مذاکرات که با حضور نخست‌وزیر عراق انجام شد، طرفین برای تشکیل سه کمیته ویژه با موضوع «ارزیابی و بررسی سطح تهدیدهای داعش»، «الزامات عملیاتی و موقعیتی» و «تقویت توانایی نیروهای نظامی و امنیتی عراق» توافق کردند.

کمیته‌های سه‌گانه بعد از ارزیابی نتایج، شرایط و روندهای جاری از جمله، ارائه چشم‌اندازی از تهدید داعش، وضعیت امنیت عراق در سطوح مختلف به‌ویژه در مبارزه با داعش و ناامنی و همچنین الزاماتی که نیازمند تکلیف ارتش عراق به توانمندی‌های خود باشد، «نقشه راهی» برای خروج نیروهای آمریکایی از عراق تدوین خواهند نمود. تردیدی نیست که نیروها و پایگاه‌های نظامی و امنیتی آمریکا یکی از عوامل اصلی بی‌ثباتی، ناامنی، اختلافات سیاسی - جناحی و مشکلات اقتصادی در عراق است. از این رو، خروج آمریکا از عراق، مهم‌ترین مطالبه مردم و گروه‌های مختلف سیاسی و همچنین دولت این کشور می‌باشد که به تصویب نمایندگان پارلمان نیز رسیده است. حتی در ماه‌های اخیر نیز احساسات ضدآمریکایی در عراق دائماً رشد یافته و مردم آن کشور به شدت خواستار اخراج نیروهای آمریکایی از کشورشان هستند. اما با توجه به تحولات مربوط به گفت‌وگوهای اخیر بغداد - واشنگتن، این پرسش مطرح می‌شود که آیا دولت آمریکا واقعاً در فکر خروج نظامی از عراق و برچیدن پایگاه خود از این کشور است؟ تا تأمل در متن بیانیه پایانی دور اول گفت‌وگوها و اظهارات برخی از مقامات آمریکایی می‌توان به این پرسش، پاسخ روشن داد؛ وزارت دفاع آمریکا روز پنج‌شنبه ۲۵ ژانویه (۵ بهمن ماه) قبل از انجام مذاکرات با طرف عراقی، با صدور بیانیه‌ای تأکید کرده است: «این گفت‌وگوها به‌عنوان بخشی از یک کمیته نظامی مشترک (HMC) که تابستان گذشته

بر سر آن توافق شد، انجام خواهد شد و در مورد حرکت به سمت یک مشارکت امنیتی دوجانبه پایدار بین عراق و آمریکا گفت‌وگو خواهد شد.» این در حالی است که در بیانیه دولت عراق، بر سر کاهش تدریجی تعداد «مستشاران ائتلافی بین‌المللی» و پایان یافتن «مأموریت مبارزه با داعش» با ایالات متحده آمریکا در عراق تأکید شده است. در واقع، از نظر آمریکا و بنا بر آنچه که در بیانیه پنتاگون قید شده است، مذاکرات بر همکاری امنیتی گسترده‌تر متمرکز خواهد بود، نه خروج نظامی از عراق. این تناقض به‌خوبی نشان می‌دهد نه تنها آمریکایی‌ها هیچ قصدی برای ترک عراق ندارند، بلکه از طریق کمیته عالی نظامی مشترک به دنبال تعریف زیرساخت حقوقی و قانونی از طریق توافق با دولت عراق برای «ایفاء» حضور خود در این کشور در اشکال دیگر و به اصطلاح موجه‌تر هستند. پیش از آن نیز جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی آمریکا، در تاریخ ۴ مه ۲۰۲۳ (۱۴ دیهشت ۱۴۰۲) در سخنانی در انستیتو واشنگتن برای سیاست‌خوار نزدیک، ضمن اعلام «تعهد قاطع واشنگتن برای منطقه» اولویت‌های به‌روز شده دولت بایدهن برای غرب آسیا را با شناسایی پنج چارچوب جدید یعنی «مشارکت، بازآرندگی، دیپلماسی و کاهش تنش، ادغام ارزش‌ها» برای تعامل ایالات متحده با کشورهای منطقه مطرح کرده بود. در واقع اینها بخشی از یک نقشه راه تمام‌عیار طراحی شده آمریکا برای پیشبرد سیاست‌های امنیتی، نظامی، سیاسی، اقتصادی و... برای غرب آسیا است. علاوه بر این‌ها، تحولات سرزمین‌های اشغالی، تحولات دریای سرخ و وضعیت متشنج و بی‌ثبات رژیم صهیونیستی و تعهدات ذاتی که کاخ سفید در حمایت از این رژیم دارد، از جمله شاخص‌های دیگری است که بحث خروج کامل و قطعی از عراق را که برای آمریکا اهمیت راهبردی دارد و یکی از ستون‌های ژئوپلیتیکی این کشور برای مهار جمهوری اسلامی ایران و جبهه مقاومت و تأمین امنیت رژیم اسرائیل می‌باشد، زیر سؤال می‌برد. بنابراین استفاده از مفهوم «مشارکت دوجانبه» به جای «خروج از عراق» در بیانیه وزارت دفاع آمریکا ومانیفست اعلامی جیک سالیوان به‌عنوان راهبرد قاطع آمریکا برای غرب آسیا، به‌خوبی نشان می‌دهد، دولت آمریکا با رویکرد وقت‌کشی و فریبکارانه در گفت‌وگوهای دوجانبه با بغداد حضور دارد و به‌رغم ادعاهای خود، نه تنها در پی خروج نظامی از منطقه عراق نیست، بلکه به دنبال یک «برنامه بلندمدت» برای تقویت حضور خود در منطقه البته با ملاحظات، حساسیت‌ها و اقتضانات خاصی است که به اصطلاح کمتر تحریک‌کننده باشد.



هشام خشان

استاد خاورمیانه  
در دانشگاه بیروت

ارتش اسرائیل شامگاه یکشنبه اعلام کرد که نیروهای این کشور به مواضع حزب‌الله در جنوب لبنان حمله کرده‌اند. طبق اعلام ارتش اسرائیل هواپیماهای جنگنده اسرائیلی در عملیاتی، یک مرکز فرماندهی حزب‌الله لبنان و یک محوطه نظامی را در شهر یارون مورد حمله قرار داده‌اند. نیروهای اسرائیلی افزون بر آن به یک پست دیده‌بانی حزب‌الله در شهر مارون الراس حمله کرده‌اند. به گفته ارتش اسرائیل کسی در این حملات کشته نشده است. در طول چند ماه گذشته همواره تبادل آتش میان حزب‌الله و نیروهای اسرائیلی در جریان بوده است. این درگیری‌ها طی یک ماه گذشته وضعیت پرتنش را در خود گرفته و برخی تحلیلگران پیش‌بینی می‌کنند که جنگ میان حزب‌الله و اسرائیل ممکن است قریب‌الوقوع باشد.

آخرین باری که حزب‌الله و اسرائیل با یکدیگر درگیر شدند، سال ۲۰۰۶ بود؛ از همان زمان نیز مشخص بود که دو طرف همچنان درگیر خصومت هستند و اکنون بیش از هر زمان دیگری بوی درگیری میان این دو به مشام می‌رسد. برخی معتقدند که حمله حماس به اسرائیل در هفتم اکتبر سال گذشته مقدمه این درگیری بوده است اما واقعیت این است که تنش‌ها میان این دو حتی قبل از حمله هفتم اکتبر و زمانی که اسرائیل در بخش‌های لبنانی روستای الغجر دیوار احداث کرد، آغاز شده بود. هدف اسرائیل از احداث این دیوار ممانعت از رفت و آمد لبنانی‌ها بود. اسرائیل الغجر را در سال ۱۹۶۷ و در طول جنگ شش‌روزه در سال ۱۹۶۷ تصرف کرد. این روستای مرزی به دلیل موقعیت مهم و استراتژیکی، از سال ۱۹۶۷ تاکنون شرایط مختلفی را تجربه کرده است و اسرائیل در دهه‌های گذشته بارها تلاش کرده تا واقعیت جدیدی را در بخش لبنانی آن با هدف الحاق این منطقه به سرزمین‌های اشغالی تحمیل کند اما هنوز در دستیابی به این هدف موفق نبوده است. البته قطعنامه‌های بی‌المللی نیز مانع اسرائیل نشده و اقدام اسرائیل در نصب موانع بتنی و

## GPFP | GEOPOLITICAL FUTURES

**در صورت وقوع درگیری، حزب‌الله برخی از موشک‌های خود را از سکوهای پرتاب مدفون در زیر زمین و یا از سکوهای متحرک شلیک خواهد کرد. اگر حزب‌الله بخواهد از زرادخانه موشک‌های نسبتاً دقیق خود که تعدادشان به مراتب کمتر است، استفاده کند، مسلماً این موشک‌ها را علیه اهداف استراتژیکی، مانند پایگاه‌های نظامی، پل‌ها، ایستگاه‌های تقویت برق و بنادر اسرائیل استفاده خواهد کرد**

سیم‌های خاردار در بخش لبنانی الغجر با هدف خارج کردن این روستا از حاکمیت لبنان صورت گرفت. این اقدام به منزله اعلام اشغال بخش لبنانی الغجر توسط اسرائیل و الحاق رسمی آن به سرزمین‌های اشغالی و نقض حاکمیت لبنان بود که خشم لبنانی‌ها را به دنبال داشت.

حزب‌الله لبنان نیز با برپایی دو چادر در مزارع شبعاء، یکی دیگر از مناطق مورد مناقشه، به اقدام اسرائیل در دیوارکشی در روستای الغجر پاسخ داد. تا قبل از حمله ۱۷ اکتبر حماس، فرض بر این بود که با توجه به مشغله‌های کابینه بنیامین نتانیاهو و بحران‌های داخلی اسرائیل، اراده‌ای برای جنگ وجود ندارد.

اما حمله ۱۷ اکتبر حماس، وضعیت و معادلات را دگرگون کرد. پس از شروع جنگ اسرائیل و حماس، حزب‌الله حملات کم‌شدتی را در جنوب لبنان با هدف حمایت از غزه آغاز کرد. محاسبه حزب‌الله این بود که نمایش قدرتی در این سطح، در همبستگی با حماس، منجر به وقوع یک جنگ تمام‌عیار در جنوب لبنان نخواهد شد. سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان در سخنانی تأکید کرد که اسرائیل قصد داشت مقاومت اسلامی را در لبنان از بین ببرد اما به دلیل اقدامات او ابتکار عمل را از دست داده و برنامه‌های خود را لغو کرد. در سال ۲۰۰۶ نیز اظهارات مشابهی از جانب سیدحسن نصرالله مطرح شده بود. او در توضیح چرایی اقدامات حزب‌الله علیه اسرائیل در آن سال تأکید کرده بود که اسرائیل به هر حال قصد داشت به لبنان حمله کند. پس از آن درگیری، حزب‌الله همواره اعلام کرده که توان نظامی بالایی برای بازدارندگی در برابر اسرائیل دارد. بسیاری از لبنانی‌ها و به‌ویژه شیعیان لبنان نیز از این توان نظامی حزب‌الله حمایت می‌کنند. از آن سو، مقامات اسرائیلی نیز به رجزخوانی پرداختند. یوآو گالات، وزیر دفاع اسرائیل در واکنش به تشدید درگیری‌ها در مرز با لبنان گفت: «اگر نصرالله همان اشتباه یحیی سنوار، رهبر حماس را مرتکب شود، عواقب فاجعه‌باری برای لبنان خواهد داشت.» گالات و دیگر مقامات ارشد اسرائیلی خواستار خروج حزب‌الله از منطقه مرزی برای جلوگیری از وقوع جنگ شدند اما واقعیت امر این است که حزب‌الله نمی‌تواند به‌سادگی تجهیزات و ادوات خود را از آن منطقه جمع کرده و خارج شود چراکه این اقدام اعتبار حزب‌الله به‌عنوان

یک نیروی مقاومت را از بین می‌برد. طی هفته‌های گذشته مقامات اسرائیلی مدام هشدار دادند که زمان دیپلماسی رو به اتمام است.

### حزب‌الله چگونه می‌اندیشد؟

جنگ اسرائیل و حماس یک معضل جدی برای حزب‌الله ایجاد کرد. اگر حزب‌الله از حماس فاصله می‌گرفت، افکار عمومی عربی و اسلامی این گروه را مقصر قلمداد می‌کردند. اگر هم برای رویارویی با اسرائیل عجله می‌کرد، شرایطی جنگی را به اسرائیل هدیه می‌کرد که اسرائیل خواهان آن بود. وقتی هم که حزب‌الله تصمیم گرفت همبستگی خود را با حماس به نمایش بگذارد، باز هم حساب‌شده عمل کرد و از شلیک موشک‌های قدرتمند خود اجتناب کرده و در عوض از مهمات سبک‌تر ضدزره استفاده کرد. سیدحسن نصرالله در سخنرانی‌هایش در طول سه ماه گذشته بارها هشدار داد که اسرائیل در صورت حمله به لبنان پشتیبان خواهد شد اما در عین حال واکنش‌هایش به حملات اسرائیل به‌گونه‌ای بود که نشان می‌داد تمایلی به ورود به جنگ ندارد.

اما این اسرائیل بود که دامنه تنش را گسترش داد. اسرائیل در حمله هواپیماهای بدون سرنشین خود، صالح العاروری، معاون دفتر سیاسی حماس را در حومه بیروت که پایگاه حزب‌الله است، ترور کرد. برخی معتقدند که این سخت‌ترین ضربه به حزب‌الله از زمان ترور سیدعباس الموسوی، دبیرکل وقت حزب‌الله در یک حمله هوایی در جنوب لبنان در سال ۱۹۹۲ بود. برخی حتی معتقدند که این ترور حتی بدتر از ترور عماد مغنیه، فرمانده حزب‌الله در سال ۲۰۰۸ بود. چه اینکه العاروری در منطقه تحت کنترل حزب‌الله ترور شد اما مغنیه در دمشق ترور شد. سال گذشته، نصرالله متعهد شده بود که از رهبران حماس و جهاد اسلامی که مقیم لبنان هستند، محافظت کند. اسرائیل معتقد است که العاروری چهره‌ای بود که قصد داشت کرانه باختری را وارد انتفاضه سوم کند. سیدحسن نصرالله این ترور را غیرقابل تحمل خواند و گفت، حزب‌الله قصد دارد در میدان نبرد به آن پاسخ دهد. این کار انجام شد؛ حزب‌الله بیش از ۶۰ موشک به سمت پایگاه هوایی اسرائیل شلیک کرد که البته تلفات انسانی به بار نیاورد.

حزب‌الله در داخل و از سوی برخی کشورهای عربی



# آیا حزب‌الله و اسرائیل خواهند جنگید؟

اعتبار و شهرت حزب‌الله به این بستگی دارد که بتواند اسرائیل را از جنوب لبنان بیرون کند